

**مقدمه**

در سال‌های اخیر، دامنه فعالیت و مسئولیت‌های مدیران مالی گسترش یافته و با تغییرات چشمگیری مواجه شده است. مدیران مالی، با استفاده از خدمات تخصصی حسابداری مدیریت و امور مالی بطور روزافزونی در اداره واحدهای انتفاعی تشریک مساعی می‌کنند و مسئولیت‌ها و وظایف بیشتری را به عهده می‌گیرند. کتاب مدیریت مالی به منظور آشنا کردن مدیران مالی، حسابداران و حسابرسان به ویژه حسابرسان عملکرد مدیریت با مفاهیم و تئوری‌های مالی تدوین شده است.

**نقش کلیدی امور مالی**

**مدیریت مالی**

مدیر مالی معمولاً نقش مرکزی و عمده‌ای را در واحدهای انتفاعی ایفا می‌کند. وظایف عمده مدیر مالی شامل بودجه‌بندی، تامین مالی، ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌گذاری و طرح‌ریزی استراتژی‌های بازاریابی و قیمت‌گذاری محصولات واحد انتفاعی است. وظایف مزبور را می‌توان به شرح جدول زیر خلاصه کرد:

**کلیات سیستم مالی کشور**

سیستم مالی کشور، چارچوب عملیات کلیه واحدهای تجاری را فراهم می‌کند. این سیستم، شامل موسسات و بازارهایی است که خدمات لازم را از لحاظ تامین مالی تحصیل دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری منابع و انتقال مالکیت سهام و سایر اوراق بهادار در اختیار واحدهای تجاری و افراد می‌گذارد. آگاهی از سیستم مالی کشور نه تنها برای مدیران مالی حایز اهمیت است بلکه برای کلیه افراد آگاه‌جامعه نیز ضرورت دارد.

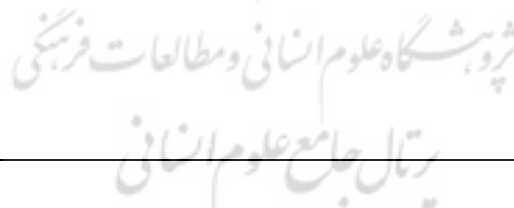
**موسسات مالی**

سیستم مالی کشور شامل بازارهای مالی و موسسات مالی است که در بسیاری از موارد بازار را نیز ایجاد می‌کنند.

موسسات مالی عبارتند از:

- بانک‌های تجاری و تخصصی
- بانک‌های مسکن
- صندوق‌های تعاون و قرض‌الحسنه
- شرکت‌های بیمه
- صندوق‌های بازنشستگی

\*\*\*\*\*



	:	-
	:	-
	:	-
	:	-
)	:	-
	:	-

## بازارهای مالی و اوراق بهادار

بازارهای مالی معمولاً برحسب نوع دارایی‌های مالی مورد مبادله طبقه‌بندی می‌شوند. همان طور که می‌توان از بازار اتمبیل نام برد، می‌توان به بازار پس‌انداز یا بازار اوراق قرضه شرکت‌ها نیز اشاره کرد. بازارهای مالی معمولاً به دو گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- بازار پول

۲- بازار سرمایه

در بازار پول، اسناد بدهی کوتاه‌مدت و در بازار سرمایه، اوراق قرضه بلندمدت و سهام مبادله می‌گردد.

## بازار پول

اوراق بهادار مورد مبادله در بازار پول عبارتند از وجوه‌سپرده نزد بانک مرکزی، اسناد خزانه، اسناد تضمین شده توسط بانک، اسناد تجاری و سایر اسناد بدهی کوتاه‌مدت. دارایی‌های مالی قابل مبادله در بازار پول باید مخاطره‌ای نزدیک به صفر برای خریداران داشته باشد. وجود بازار پول در سطح کشور، یکی از جنبه‌های واجد اهمیت سیستم مالی است که بحث درباره نرخ کلی سود تضمین‌شده جامعه اقتصادی را امکان‌پذیر می‌سازد.

## بازار سرمایه

بازار سرمایه شامل بازارهایی است که در آن اوراق بهادار میان مدت و بلندمدت افراد، واحدهای تجاری و دولت عرضه و مبادله می‌شود. این قبیل بازارها معمولاً به سه گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- بازار اوراق قرضه

۲- بازار دیون رهنی

۳- بازار سهام

گروه دوم یعنی بازار دیون رهنی که در دو دهه اخیر در برخی از کشورهای صنعتی ایجاد شده است، هنوز در کشور ایران وجود ندارد.

## ارزش زمانی پول

ارزش زمانی پول، به دلیل وجود نرخ سود تضمین شده ایجاد می‌شود. در مواردی که زمان‌های دریافت و بازپرداخت پول متفاوت است، از روش‌های مرتبط با سود تضمین شده مرکب استفاده می‌شود. به طور کلی دو گروه از تصمیمات ایجاد می‌کند که ارزش زمانی پول به نحوی ملحوظ شود. گروه اول با سرمایه‌گذاری (پس‌انداز) پول در زمان حال به منظور دریافت مزایای نقدی در آینده مرتبط است. گروه دوم مربوط به استقراض در زمان حال به منظور انجام مخارج جاری است که نهایتاً موجب کاهش وجوه نقد آتی خواهد شد. ارزش فعلی درآمدهای آتی، یکی از مفاهیم کلیدی امور مالی است. بکارگیری ارزش فعلی، مقایسه جریان درآمدها و هزینه‌ها راه‌حلهای مختلفی را که از لحاظ مبلغ و زمان‌بندی وجوه نقد متفاوت است امکان‌پذیر می‌سازد.

## مخاطره سرمایه‌گذاری و نرخ بازده

در مواقعی که رویدادهای آتی بطور کامل قابل پیش‌بینی نبوده و برخی رویدادها بر سایر رویدادها مرجح باشد، عامل مخاطره وجود دارد.

مخاطره سرمایه‌گذاری در یک دارایی مالی، به رابطه بین گردش نقدی دارایی مزبور و گردش نقدی سایر دارایی‌های تحت تملک شخص سرمایه‌گذار بستگی دارد.

## اصول اندازه‌گیری مخاطره

در تصمیم‌گیری‌های مالی، اندازه‌گیری عینی مخاطره غالباً مفید واقع می‌شود. در مواردی که پرداخت‌ها یا دریافت‌های پولی آتی مطرح است به منظور ارزیابی مخاطره، استفاده از توزیع احتمال غالباً مفید واقع می‌شود. دو معیار مهم مقداری برای اندازه‌گیری مخاطره عبارتند از انحراف استاندارد و ضریب همبستگی. انحراف استاندارد، ابهام همراه با بازده یک دارایی یا مجموعه سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار را اندازه‌گیری می‌کند. ضریب همبستگی، میزان نوسان بازده یک دارایی را در ارتباط با نوسان یک دارایی یا مجموعه سرمایه‌گذاری دیگر اندازه‌گیری می‌نماید. مخاطره کلی یک مجموعه سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار به انحراف استاندارد و ضریب همبستگی بین زوج‌های مختلف دارایی‌های مختلف موجود در مجموعه بستگی دارد.

## تصمیمات سرمایه‌گذاری، تامین مالی و توزیع سود سهام توسط واحد تجاری

مدیران مالی هزینه تامین مالی را براساس تصمیمات گذشته مرتبط با سرمایه‌گذاری، تامین مالی و توزیع سود سهام، برآورد می‌کنند و آن را به عنوان استاندارد برای ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌ای پیشنهادی بکار می‌گیرند. هزینه تامین مالی یک واحد تجاری نرخ بازدهی است که سرمایه‌گذاران در واحد مزبور انتظار دارند نسبت به سرمایه‌گذاری‌های خود در آن واحد دریافت کنند.

## هزینه تامین مالی

هزینه تامین مالی يك واحد تجاري غالباً براي ارزیابی فرصت‌های سرمایه‌گذاری توسط آن واحد تجاري مورداستفاده قرار می‌گیرد. هزینه مزبور حداقل نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌های جدید را از دیدگاه سرمایه‌گذاران در اوراق بهادار واحد تجاري منعکس می‌کند. استفاده از هزینه تامین مالی برای ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌ای در صورتی مناسب است که:

- ۱- مخاطرات پروژه‌های در دست ارزیابی، مشابه مخاطرات سرمایه‌گذاری‌های گذشته باشد.
  - ۲- سیاست‌های تامین مالی واحد تجاري نیز نسبت به گذشته تغییر نکند.
- به منظور تخصیص يك ارزش به هزینه تامین مالی، ابتدا باید نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران در اوراق بهادار واحد تجاري (شامل کلیه استقراض‌ها) برآورد و سپس میانگین موزون این نرخ‌ها براساس ارزش‌های بازار اوراق بهادار مختلف صادر شده توسط واحد تجاري محاسبه شود. نرخ‌های مذکور در بالا به شرح زیر تعیین می‌گردد:
- ۱- نرخ استقراض عبارت از متوسط نرخ بهره بازار در ارتباط با اوراق قرضه صادر شده توسط واحد تجاري است که بر مبنای نرخ مالیات بر درآمد تعدیل شده باشد (به دلیل قابل احتساب بودن هزینه بهره در محاسبه سود مشمول مالیات). در مورد اوراق قرضه، معمولاً نرخ بهره تا تاریخ سررسید به عنوان نرخ بهره بازار مورد استفاده قرار می‌گیرد.
  - ۲- نرخ سود سهام ممتاز عبارت از حاصل تقسیم سود سهام تعیین شده بر ارزش سهام ممتاز است.
  - ۳- برآورد نرخ سود سهام عادی در مقایسه با دو نرخ اول مشکل‌تر است. در برخی موارد متوسط نرخ بازده تاریخی تحصیل شده توسط سهامداران، به عنوان برآوردی از نرخ جاری مورد انتظار آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنانچه سود سهام پرداختی واحد تجاري با نرخ ثابتی افزایش یابد نرخ بازده برآوردی، مساوی حاصل تقسیم سود سهام مورد انتظار بر ارزش جاری سهام به علاوه نرخ رشد سود سهام خواهد بود. روش سوم برای برآورد نرخ سود سهام عادی عبارت است از استفاده از فاکتور بتای سهام، نرخ بدون مخاطره بهره و نرخ مخاطره بازار. روش چهارم برای برآورد نرخ سهام عادی، استفاده از نرخ بهره مرتبط با استقراض واحد تجاري و اضافه کردن چند درصد صرف برای جبران مخاطرات سهام عادی می‌باشد.

## مبانی بودجه‌بندی سرمایه‌ای

بهای تمام شده معمولاً قابل توجه تجهیزات سرمایه‌ای جدید و مبالغ هنگفتی که همه ساله برای این قبیل وسایل سرمایه‌گذاری می‌شود مدیریت واحدهای تجاري راناکزیر از تنظیم بودجه‌های سرمایه‌ای دقیق می‌کند. بسیاری از واحدهای تجاري بودجه‌های کوتاه‌مدت تهیه و برخی نیز مخارج سرمایه‌ای خود را برای سه تا پنج سال آینده طرح‌ریزی می‌نمایند. بودجه‌های مزبور معمولاً برارقام پیش‌بینی و برآورد شده مبتنی است و با در دسترس قرار گرفتن اطلاعات جدید مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد.

گردش اضافی وجوه نقد (پس از احتساب مالیات بر درآمد) حاصل از يك سرمایه‌گذاری، معیاری مربوط برای سنجش بهره‌وری پروژه سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. ارزیابی گردش وجوه نقد را می‌توان با استفاده از روش‌های ارزش فعلی، نرخ بازده داخلی، دوره بازیافت یا نرخ بازده حسابداری انجام داد. در روش ارزش فعلی، يك پروژه سرمایه‌ای تنها هنگامی قبول می‌شود که خالص ارزش فعلی آن مثبت باشد. در مقایسه پروژه‌های مستقل و مانع‌التجمع (که تنها یکی از آنان می‌تواند قبول شود) پروژه متضمن بالاترین خالص ارزش فعلی، سودآورترین آنها محسوب و تنها هنگامی قبول می‌شود که خالص ارزش فعلی مزبور مثبت باشد.

در روش نرخ بازده داخلی (IRR)، پروژه‌های متضمن نرخ بازده بالاتر از نرخ هزینه تامین مالی می‌تواند مورد قبول قرار گیرد. در مقایسه پروژه‌های مستقل و مانع‌التجمع (به کمک روش نرخ بازده داخلی) لازم است از روش اضافی استفاده شود. در روش مزبور تعیین می‌شود که آیا گردش اضافی وجوه نقد يك پروژه در مقایسه با پروژه دیگر، انتخاب قبلی پروژه‌ها را توجیه می‌کند یا خیر. بکارگیری روش نرخ بازده داخلی در مقایسه با روش ارزش فعلی مشکل‌تر و در برخی موارد به دلیل مسایل تحلیلی غیر مقدور است. بنابراین روش ارزش فعلی به‌عنوان يك روش مرجح توصیه می‌شود.

بکارگیری تکنیک‌های پیشرفته بودجه‌بندی سرمایه‌ای بدو در واحدهای تجاري بزرگ و سرمایه‌بر متداول گردید. اما استفاده از روش‌های ارزش فعلی و نرخ بازده داخلی با توجه به استفاده از کامپیوتر در اغلب واحدهای تجاري، در حال گسترش است و نهایتاً جایگزین روش‌های دوره بازیافت و نرخ بازده حسابداری خواهد شد.

چنانچه عمر مفید پروژه‌های سرمایه‌ای مورد مقایسه یکسان نباشد، انجام يك تحلیل کاملاً صحیح معمولاً ایجاب می‌کند که سرمایه‌گذاری‌های آتی و جایگزین نیز مورد توجه قرار گیرد. اما در بسیاری از موارد توجه مزبور ضرورت ندارد و مستقیماً می‌توان روش خالص ارزش فعلی یا روش اضافی نرخ بازده داخلی را به منظور مقایسه پروژه‌های سرمایه‌ای بکار گرفت.

در مواجهه با تورم، واحدهای تجاري باید کماکان از گردش وجوه نقد پیش‌بینی شده برای محاسبه خالص ارزش فعلی استفاده کنند. علاوه بر این نرخ تنزیل مناسب برای این قبیل موارد نیز نرخی است که در صورت فقدان تورم، توسط سرمایه‌گذاران برای تنزیل گردش وجوه نقد متضمن مخاطرات مشابه با سرمایه‌گذاری مورد بررسی، بکار گرفته می‌شود.

تصمیمات تامین مالی و ساختار سرمایه

حال مسایلی که مدیر مالی به منظور تصمیم‌گیری درباره نحوه تحصیل وجوه لازم برای تامین مالی بودجه سرمایه‌ای با آن روبروست مورد بحث قرار می‌گیرد.

واحدهای انتفاعی وجوه لازم برای اجرای پروژه‌های سرمایه‌ای خود را از چهار منبع اصلی تامین می‌کنند: استقراض، انتشار سهام ممتاز، انتشار سهام عادی و استفاده از سود انباشته. در طرح‌ریزی‌های مرتبط با تامین مالی بودجه سرمایه‌ای، مدیر مالی باید مخاطرات و نرخ‌های بازده طرح‌های مختلف را مورد توجه قرار دهد. تامین مالی از طریق استقراض، اهرم مالی واحد انتفاعی را افزایش می‌دهد و در نتیجه مخاطره و نرخ بازده نیز افزایش می‌یابد. تامین مالی از طریق استقراض موجب تشدید مخاطره تجاری می‌شود. مخاطره مالی، میزان افزایشی است که به دلیل استفاده از استقراض، در جمع مخاطره واحد انتفاعی حاصل می‌شود. این نوع مخاطره باید توسط سهامداران و واحد انتفاعی تقبل گردد زیرا پرداخت اصل و فرع وجوه استقراضی در موعدهای مقرر به عهده آنان است.

عواملی که در ارزیابی راه‌حل‌های تامین مالی مورد توجه قرار می‌گیرند عبارتند از: قابلیت انعطاف، مخاطره، سود، کنترل، زمان‌بندی و سایر عوامل نظیر ارزش‌های وثیقه، هزینه انتشار، سرعت و پی‌آمدهای آتی.

تجزیه و تحلیل مسئله تامین مالی واحدهای انتفاعی معمولاً به نتایج زیر منتهی می‌شود:

۱- در شرایط ایده‌آل و در غیاب مالیات بر درآمد، از دیدگاه سهامداران واحد انتفاعی تفاوتی بین طرح‌های مختلف تامین مالی وجود ندارد.

۲- در شرایط ایده‌آل و در صورت وجود مالیات بر درآمد برای واحد انتفاعی (و نبود مالیات بر درآمد برای اشخاص حقیقی)، تامین مالی از طریق استقراض بر سایر طرق تامین مالی ارجحیت دارد زیرا هزینه استقراض در محاسبه سود مشمول مالیات قابل احتساب است.

۳- در موارد عملی، محدوده بهینه‌ای برای ساختار سرمایه واحدهای انتفاعی وجود دارد. چنانچه واحد انتفاعی تامین مالی خود را خارج از محدوده مزبور انجام دهد، ارزش واحد انتفاعی کاهش خواهد یافت.

قابلیت انعطاف در تامین مالی دوره‌های آینده، از طریق سود انباشته ایجاد می‌شود. در مواقعی که به جای استفاده از منابع مالی خارجی از سود انباشته استفاده می‌گردد،

سود سهام پرداختی به سهامداران کاهش می‌یابد. دریافت سود سهام کمتر در حال حاضر به دلایل زیر می‌تواند به مصلحت سهامداران باشد:

اولاً، قیمت سهام واحد انتفاعی افزایش می‌یابد زیرا سرمایه‌گذاری وجوه بیشتر در ارزش سهام انعکاس می‌یابد. ضمناً تحصیل سود هنگام فروش سهام، از لحاظ مالیات بر درآمد شخصی بر دریافت سود سهام برتری دارد. ثانیاً، هزینه انتشار اوراق بهادار وجود ندارد. ثالثاً، تامین مالی از منابع داخلی به سهامداران فعلی امکان می‌دهد که کنترل خود را بر واحد انتفاعی همچنان حفظ کنند.

#### سیاست توزیع سود سهام

سود تحصیل شده توسط واحدهای انتفاعی را می‌توان به شکل سود سهام پرداخت کرد یا برای مصارف داخلی نگهداشت. مبلغ سود سهامی که واحد انتفاعی برای پرداخت به سهامداران در نظر می‌گیرد به عوامل متنوعی به شرح زیر بستگی دارد:

۱- مالیات: مالیات بر درآمد شخصی سهامداران موجب می‌شود که تحصیل سود سرمایه‌ای حاصل از افزایش قیمت سهام در مقایسه با دریافت سود سهام، مرجح‌تری گردد. این طرز تلقی گردد. سرمایه‌گذاری مجدد سود تحصیل شده را در واحد انتفاعی ترغیب می‌کند. مالیات بر درآمد شرکت‌ها نیز به دلیل قابل احتساب بودن هزینه تامین مالی در محاسبه سود مشمول مالیات، استقراض را در مقایسه با سایر طرق تامین مالی جالب توجه می‌سازد. با این ترتیب امکان دارد که در بلندمدت تامین مالی از طریق انتشار سهام و همچنین پرداخت سود سهام کاهش یابد.

۲- فرصت‌های سرمایه‌گذاری: وجود فرصت‌های جالب توجه و استثنایی برای سرمایه‌گذاری می‌تواند مدیریت را به سرمایه‌گذاری مجدد سود و پرداخت سود سهام بالنسبه کم ترغیب کند.

۳- محدودیت‌های قراردادی: مبلغ سود سهام پرداختی شرکت‌ها ممکن است بر اساس قراردادهای وام یا سهام ممتاز و همچنین الزامات قانونی محدود شود.

#### تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی

ارقامی که معرف فعالیت‌های واحدهای انتفاعی حتی واحدهای انتفاعی بسیار کوچک می‌باشد معمولاً مفصل است. به منظور استفاده از این ارقام لازم است آنها را به شکل اطلاعات قابل درک، مرتبط با یکدیگر و حتی الامکان محدود تبدیل و سازماندهی کرد تا تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی مفید و کارساز باشد. با استفاده از ارقام و اطلاعات صورت‌های مالی می‌توان نسبت‌های مالی و گردش وجوه نقد واحد انتفاعی را تعیین کرد. سپس نسبت‌های مالی محاسبه شده با نسبت‌هایی که برای واحدهای انتفاعی مورد نظر مناسب به نظر می‌رسد مقایسه می‌شود. ضمناً صورت گردش وجوه نقد نشان می‌دهد که واحدهای انتفاعی طی یک دوره مالی چگونه منابع تحت کنترل خود را تحصیل کرده و مورد استفاده قرار داده است.

#### تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی

انواع نسبت‌های مالی

تحلیل‌گران مالی که به تجزیه و تحلیل وضعیت مالی واحدهای انتفاعی می‌پردازند معمولاً نظریات متفاوتی درباره میزان سودمندی نسبت‌های مختلف مالی دارند. مثلاً اعطاکندگانی وام‌های کوتاه‌مدت اساساً به عملکرد کوتاه‌مدت واحدهای انتفاعی و دارایی‌های پولی نظیر موجودی نقد، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت، حساب‌های دریافتی و امثالهم اهمیت می‌دهند. در حالی که اعطاکندگانی تسهیلات مالی بلندمدت و همچنین سهامداران، علاوه بر عملکرد کوتاه‌مدت به آینده واحدهای انتفاعی نیز نظر دارند. اما مدیریت واحدهای انتفاعی، کلیه نسبت‌های مالی معرف عملکرد را مورد استفاده قرار می‌دهد.

نسبت‌های مالی مجموعه‌ای از معیارهای خلاصه رادارتباط با بدهی‌ها، کارایی عملیاتی و سودآوری واحدهای انتفاعی در اختیار تحلیل‌گران مالی می‌گذارد. این نسبت‌ها به چهار گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- نسبت‌های نقدینگی که نشان‌دهنده ظرفیت واحدهای انتفاعی برای انجام تعهدات کوتاه‌مدت است.

۲- نسبت‌های اهرمی که نشان‌دهنده ظرفیت واحدهای انتفاعی برای انجام تعهدات کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد.

۳- نسبت‌های فعالیت که نحوه استفاده از بخش‌های دارایی‌های واحد انتفاعی را نشان می‌دهد.

۴- نسبت‌های سودآوری که بازده خالص فروش و دارایی‌ها را منعکس می‌کند.

نسبت‌های مالی براساس اطلاعات مندرج در ترازنامه و صورت سود و زیان محاسبه و سپس با سطوح مطلوب آن مقایسه می‌شوند. در تعیین سطح مطلوب هر یک از نسبت‌های مالی، معمولاً واحد انتفاعی متوسط نسبت‌های مالی صنعت مربوط را به عنوان راهنما مورد استفاده قرار می‌دهد. اما تعدیلات لازم را نیز به منظور انعکاس ویژگی‌های واحد انتفاعی در آن اعمال می‌کند. مثلاً چنانچه مخاطره واحد انتفاعی بیش از متوسط مخاطره صنعت مربوط باشد نسبت‌های نقدینگی بیشتر و نسبت‌بدهی کمتر از متوسط صنعت مطلوب خواهد بود. ارتباطات بین نسبت‌های مالی باید مورد بررسی قرار گیرد زیرا هر یک از نسبت‌های مالی تنها یکی از جنبه‌های واحدهای انتفاعی را منعکس می‌سازد. نقطه ضعف در یک زمینه می‌تواند از طریق نقطه تقویت در زمینه‌های دیگر جبران شود. تغییرات نسبت‌های مالی در طول زمان نیز باید مورد بررسی قرار گیرد زیرا این اطلاعات تعیین می‌کند که آیا یک مسئله خاص حل شده است یا برای حل آن باید تدابیر تازه‌ای اتخاذ شود. نسبت‌های نامطلوب در یک دوره نسبتاً طولانی نشان می‌دهد که نه تنها در حال حاضر مشکل وجود دارد بلکه طی دوره‌های گذشته نیز مشکل در حال تکوین بوده است.

#### طرح‌ریزی سود

تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر

همانند تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی و تحلیل گردش وجوه نقد، تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر نیز برای تحلیل ارقام و اطلاعات مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر، ارتباط بین سود، هزینه‌ها، سیاست‌قیمت‌گذاری و میزان تولید محصولات را مورد بررسی قرار می‌دهد. آگاهی از این ارتباطات به مدیران مالی امکان می‌دهد که از طریق تعیین روش‌های تولید، قیمت‌گذاری و میزان تولید، سود را به بالاترین سطح ممکن افزایش دهند. در تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر اساساً موارد زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر را می‌توان به منظور ارزیابی آثار تغییرات مقادیر فروش یا ساختار بهای تمام‌شده و فروش بر سود واحد انتفاعی مورد استفاده قرار داد. یکی از عوامل اساسی در تجزیه و تحلیل مزبور، ارتباط بین هزینه‌های ثابت و متغیر است. هزینه‌های ثابت با تغییر مقادیر تولید نوسان نمی‌کند در حالی که هزینه‌های متغیر به مقادیر تولید بستگی دارد. اغلب اقلام هزینه را می‌توان با توجه به وضعیت موجود به اقلام ثابت یا متغیر تفکیک کرد. تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر می‌تواند برای بررسی اثر تغییر مقدار فروش یا بهای تمام‌شده و فروش بر سودآوری بکار گرفته شود. اگرچه در اغلب موارد در تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر، منحنی هزینه‌ها خطی فرض می‌شود اما می‌توان منحنی‌های غیرخطی یا قیمت‌های فروش متغیر را نیز ملحوظ داشت. بنابراین تکنیک مورد بحث را می‌توان بر شرایط واقعی منطبق و از آن به عنوان یک ابزار مفید در طرح‌ریزی‌های مالی استفاده کرد. اما در مواردی که تعداد نسبتاً زیادی از راه‌حل‌ها در تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر مطرح و مقایسه می‌شود، بکارگیری آن مشکل خواهد شد. در این قبیل موارد می‌توان تکنیک تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر را همراه با سایر روش‌های تحلیلی مورد استفاده قرار داد.

۱- این کتاب توسط دفتر مطالعات مالی و حسابداری مدیریت و با تأیید آقای دکتر رضا شباهنگ تلخیص شده است.

در سال‌های اخیر، دامنه فعالیت و مسئولیت‌های مدیران مالی گسترش یافته و با تغییرات چشمگیری مواجه شده است. مدیران مالی، با استفاده از خدمات تخصصی حسابداری مدیریت و امور مالی بطور روزافزونی در اداره واحدهای انتفاعی تشریک مساعی می‌کنند و مسئولیت‌ها و وظایف بیشتری را به عهده می‌گیرند.

کتاب مدیریت مالی به منظور آشنا کردن مدیران مالی، حسابداران و حسابرسان به ویژه حسابرسان عملکرد مدیریت با مفاهیم و تئوری‌های مالی تدوین شده است.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی